

# کتابخانه علمی

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه/رساله متعلق به دانشگاه میبد است و هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی این اثر برای تولید دانش فنی، ثبت اختراع، ثبت اثر بدیع هنری و نیز چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس و ارائه مقاله در سمینارها و مجلات علمی منوط به موافقت کتبی دانشگاه است.



**دانشکده الهیات و معارف اسلامی**  
**گروه حقوق**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد**  
**حقوق جزا و جرم‌شناسی**

**عنوان**

**مفهوم و اطلاق قاعده منع شکنجه در نظام حقوقی ایران**

**استاد راهنما**

**دکتر سید مصطفی میر محمدی میبدی**

**استاد مشاور**

**دکتر محمد مهدی برعی**

**پژوهش و نگارش**

**حانیه پورکند**

**دی ماه ۱۴۰۱**

تقدیم به

کسانی که در راه اعتلا و ماندگاری این سرزمین، عاشقانه، دردمندانه  
و هوشمندانه گام برمی دارند.

## تقدیر و تشکر

از استاد راهنمای گرانقدر، جناب آقای دکتر سید مصطفی میرمحمدی میبیدی، به واسطه رهنمودهای موثر و ارزشمند خویش و استاد مشاور محترم، جناب آقای دکتر محمد مهدی برغی که بنده را در پیشبرد بهتر پایان نامه یاری نموده‌اند، خالصانه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## محل درج برگه ارزیابی و امتیاز

## چکیده

بحث در خصوص منع مطلق یا مشروط شکنجه پیشینه طولانی دارد؛ برخی آن را رفتاری غیرانسانی و مخالف با کرامت ذاتی افراد دانسته‌اند و برخی دیگر با وجود تأیید این معنا، آن را در شرایط اضطراری جایز می‌شمارند. اگرچه بر اساس ادله متعدد شرعی و حقوقی، در اصل ۳۸ قانون اساسی بر ممنوعیت شکنجه تصریح و مبنای این ممنوعیت، حفظ شأن و حرمت افراد و جلوگیری از تزییع حقوق شهروندان (اعم از متهم یا غیرمتهم) توسط ماموران دولتی بیان شده است، اما اینکه ماهیت شکنجه چیست و کدام یک از افعال، مصداق شکنجه محسوب می‌شود، محل بحث است و علاوه بر آن، به طور دقیق مشخص نیست مقوله شکنجه، در کدام یک از مراحل کشف جرم، دادرسی، اجرای حکم و... مطرح است؛ به عنوان مثال، نظام بین‌المللی حقوق بشر، برخی مجازات‌ها از جمله مجازات‌های بدنی را به عنوان رفتار غیرانسانی و در زمره شکنجه و مجازات ظالمانه محسوب کرده است، اما در مقابل، حقوق اسلام رویکردی خلاف موضع ذکر شده دارد و بسیاری از مجازات‌ها را مشروع و به عنوان کیفر جرایم به رسمیت شناخته است. در پژوهش پیش‌رو، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، ضمن ارائه مفهوم دقیقی از شکنجه و بیان مستندات مربوط به ممنوعیت مطلق آن، به این نتیجه رسیدیم که مجازات‌های مقرر در حقوق داخلی با رعایت شرایط مربوط به اجرای مجازات‌ها، نمی‌تواند در زمره شکنجه و مجازات‌های ظالمانه قرار گیرد. همچنین به بیان قواعد معارض با قاعده منع شکنجه پرداختیم و نتیجه حاصل این بود که قاعده منع شکنجه نسبت به سایر قواعد متعارض، ترجیح و برتری دارد.

## واژگان کلیدی:

شکنجه، مجازات، حقوق شهروندی، کرامت انسانی، تعدیب، حقوق بشر، قاعده منع شکنجه.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول	۳
کلیات و مفاهیم	۳
درآمد	۴
۱-۱- کلیات	۴
۱-۱-۱- بیان مساله	۴
۱-۱-۲- سوال‌ها و فرضیه‌های تحقیق	۷
۱-۱-۳- روش و اهداف تحقیق	۸
۱-۱-۴- اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
۱-۱-۵- پیشینه پژوهش	۹
۱-۱-۶- سازماندهی مطالب	۱۱
۱-۱-۷- پیشینه قاعده منع شکنجه	۱۲
۱-۱-۸- سیر تقنینی ممنوعیت شکنجه قبل از انقلاب اسلامی	۱۳
۱-۱-۹- سیر تقنینی ممنوعیت شکنجه بعد از انقلاب اسلامی	۱۵
۱-۱-۱۰- سیر ممنوعیت شکنجه در اسناد بین‌المللی	۱۶
۱-۲- مفهوم شکنجه	۱۷
۱-۲-۱- شکنجه در لغت	۱۸
۲-۲-۱- شکنجه در اصطلاح	۱۹
۲-۲-۳- چالش‌های مفهوم شکنجه	۲۲
۲-۲-۴- تمایز شکنجه با سایر جنایات علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص:	۲۴
۲-۲-۵- تمایز شکنجه با رفتارهای غیرانسانی و مجازات‌های ظالمانه	۲۵
۳-۱- انواع شکنجه	۲۶
۱-۳-۱- شکنجه جسمی	۲۶
۲-۱-۳-۱- شکنجه جسمی مستقیم	۲۶





۴۲	..... عدالت ۱-۱-۱-۲
۴۳	..... کرامت ذاتی اشخاص ۲-۱-۱-۲
۴۶	..... سنت ۲-۱-۲
۴۷	..... رفتار پسندیده اسلام با اسیران جنگی و دشمنان ۱-۲-۱-۲
۴۸	..... منع خشونت و شکنجه در مواجهه با زنان ۲-۲-۱-۲
۴۹	..... منع آزار غیر متعارف در برابر اجرای مجازات‌های بدنی ۳-۲-۱-۲
۵۰	..... اجماع ۳-۱-۲
۵۲	..... مبنای عقل ۴-۱-۲
۵۳	..... مبانی حقوقی اطلاق ممنوعیت شکنجه ۲-۲
۵۳	..... اصل شخصی بودن مجازات‌ها ۱-۲-۲
۵۴	..... اصل قانونی بودن جرم و مجازات ۲-۲-۲
۵۵	..... اصل مشروعیت تحصیل دلیل ۳-۲-۲
۵۷	..... اصل برائت ۴-۲-۲
۵۷	..... تناسب بین جرایم و مجازات‌ها ۵-۲-۲
۵۸	..... مقتضای قاعده اولی ۶-۲-۲
۵۹	..... قاعده آمره ۷-۲-۲
۶۰	..... مبانی قانونی اطلاق ممنوعیت شکنجه ۳-۲
۶۰	..... قانون اساسی ۱-۳-۲
۶۱	..... طرح اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی ۱-۱-۳-۲
۶۳	..... قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۲-۳-۲
۶۴	..... قانون آیین دادرسی کیفری ۳-۳-۲
۶۶	..... قانون مجازات اسلامی ۴-۳-۲
۶۶	..... کنوانسیون منع شکنجه ۵-۳-۲
۶۸	..... میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۶-۳-۲
۶۹	..... اعلامیه جهانی حقوق بشر ۷-۳-۲
۷۲	..... فصل سوم

۷۲	قواعد معارض با قاعده منع شکنجه
۷۳	۳-۱- قاعده اضطرار
۷۵	۳-۲- قاعده ضرورت حفظ نظام
۷۷	۳-۳- قاعده تراحم
۸۰	۳-۴- قاعده دفع افسدبه فاسد
۸۱	۳-۵- قاعده التعزیر لکل عمل محرم
۸۴	فصل چهارم
۸۴	واکاوی مصادیق شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در مراحل کشف جرم، دادرسی و اجرای مجازات
۸۵	۴-۱- مرحله کشف جرم
۸۷	۴-۱-۱- حق سکوت
۸۸	۴-۱-۲- حق آزادی و ممنوعیت بازداشت غیرقانونی متهم
۸۹	۴-۱-۳- حق تفهیم اتهام
۸۹	۴-۱-۴- حق داشتن ضابط آموزش دیده
۹۰	۴-۱-۵- حق مقاومت در مقابل اعمال غیرقانونی ضابط
۹۱	۴-۱-۶- حق برخورداری از وکیل
۹۲	۴-۲- مرحله تحقیق و بازجویی ابتدایی از متهم
۹۲	۴-۲-۱- انتشار مشخصات و تصویر متهم
۹۲	۴-۲-۲- بازرسی اماکن و اشیا
۹۴	۴-۲-۳- بازرسی بدنی
۹۴	۴-۲-۴- بازجویی
۹۵	۴-۳- شکنجه در دادرسی متهم
۹۷	۴-۴- بررسی اجرای مجازات و شکنجه مجرمین
۹۸	۴-۴-۱- مجازات نامتناسب
۹۸	۴-۴-۲- مجازات‌های بدنی
۹۹	۴-۴-۱-۲- مجازات سنگسار
۱۰۰	۴-۴-۲-۲- مجازات قصاص

۱۰۱.....	۳-۲-۴-۴- مجازات قطع عضو .....
۱۰۲.....	۴-۲-۴-۴- مجازات اعدام و سلب حیات.....
۱۰۳.....	۵-۲-۴-۴- شلاق .....
۱۰۴.....	۳-۴-۴- مجازات‌های غیربدنی.....
۱۰۴.....	۱-۳-۴-۴- مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی .....
۱۰۵.....	۲-۳-۴-۴- مجازات تبعید .....
۱۰۶.....	۳-۳-۴-۴- مجازات تشهیر .....
۱۰۷.....	۴-۳-۴-۴- مجازات حبس ابد .....
۱۰۸.....	۵-۴- موانع اجرای مجازات‌ها.....
۱۱۱.....	فصل پنجم .....
۱۱۱.....	نتیجه‌گیری و پیشنهادات .....
۱۱۲.....	۱-۵- نتیجه‌گیری .....
۱۱۵.....	۲-۵- پیشنهادات .....
۱۱۷.....	منابع و ماخذ.....

## مقدمه

امروزه مسائل حقوق بشری از دغدغه‌برانگیزترین و اساسی‌ترین مسائل جامعه جهانی شمرده می‌شود که در راس آن‌ها توجه به شخصیت و کرامت ذاتی افراد جای دارد. شکنجه یکی از اعمالی است که نقطه مخالف مباحث حقوق بشری قرار دارد و تا کنون بسیاری از معاهدات بین‌المللی در خصوص ممنوعیت این رفتار به تصویب رسیده، در حقوق اسلامی نیز توجه‌ای ویژه به کرامت، عزت و شرافت آدمیان شده است و برخی آیات قرآن بر این موضوع تصریح دارد، از جمله: آیه ۷۰ سوره اسراء که به کرامت در آفرینش و خلقت انسان‌ها (کرامت ذاتی) اشاره دارد: «و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.»

با این حال، مساله شکنجه به‌عنوان رفتاری موهن، از آغاز خلقت آدمی با او همراه بوده و شامل ایراد آزار بر جسم و روح افراد می‌شده است. این رفتار در گذشته یک امر قانونی بوده که توسط حکومت‌های خودکامه یا طبقات برتر جامعه به طبقات پایین جامعه، از یک جهت به‌عنوان ابزاری برای کسب اقرار و تحصیل دلیل و از جهتی دیگر به‌عنوان کیفر تحمیل می‌شده و حتی متمدن‌ترین دولت‌ها هم از اعمال شکنجه مستثنی نبوده است؛ اما به‌تدریج و با گسترش جوامع، در دهه‌های اخیر در حقوق داخلی بسیاری از کشورها، ممنوعیت شکنجه جرم‌انگاری و به‌عنوان عملی مذموم شناخته شد و به‌منظور احترام به شخصیت افراد و جلوگیری از سو استفاده ماموران دولتی، هر نوع اقرار و اطلاع حاصل از شکنجه نامعتبر شمرده شد، همچنین ممنوعیت اعمال شکنجه در حقوق بین‌الملل نیز به‌عنوان قاعده آمره به رسمیت شناخته شد و کنوانسیون‌های متعددی از جمله کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ در این زمینه به تصویب رسید. باین‌حال متأسفانه در برخی موارد، شکنجه فرد متهم و محکوم از سوی دستگاه‌های امنیتی و قضایی به چشم می‌خورد و انگیزه‌های کسب دلیل، موجودیت شکنجه را در برخی کشورها به‌وجود می‌آورد. برخی از شکنجه‌گران علت توسل به شکنجه را به وجود آمدن وضعیت بحرانی و اضطراری نظیر: حفظ جان انسان‌ها، حفظ نظام اسلامی و مصالح اساسی کشور، نام‌برده‌اند در صورتی که ادله متعددی در منابع اجتهادی فقه شیعه، مجموعه قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی بر ممنوعیت مطلق این رفتار اشاره دارند.

حقوق‌دانان داخلی نیز بر پایه احکام اسلامی، هر نوع تعدیب و شکنجه مادی یا معنوی در مراحل کشف جرم، دادرسی و اجرای مجازات را ممنوع و هر نوع اقرار و اطلاع حاصل از شکنجه را بی‌اعتبار دانسته‌اند، ضمن آن‌که قواعدی از جمله قاعده اضطرار، قاعده حفظ نظام، قاعده دفع افسد به فاسد و... را توجیه مناسبی برای جواز اعمال شکنجه نمی‌دانند؛ چراکه حفظ حرمت و کرامت ذاتی افراد، بنا بر آیات قرآنی و روایات معصومین، مقدم بر هر مسئله‌ای است و مخدوش نمودن کرامت و حیثیت انسانی در راستای کشف دلیل جرم، مجازات اخروی و دنیوی در پی دارد، به‌علاوه قبح برخی اعمال آن‌قدر شدید است که هیچ مسأله‌ایی نمی‌تواند مجوزی برای اعمال آن باشد. در پایان‌نامه حاضر، تلاش بر این بوده است، علاوه بر تبیین مفهوم شکنجه و دلایل ممنوعیت مطلق آن، به بررسی قواعد معارض با قاعده منع شکنجه و بررسی حقوق متهم و محکوم در مراحل کشف جرم و دادرسی و مجازات پرداخته شود.

## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

## درآمد

در این فصل، ابتدا به بیان کلیات پژوهش از جمله بیان مسئله، سوال‌ها، فرضیه‌ها، پیشینه، سازمان‌دهی پژوهش پرداخته می‌شود و سپس در بخش دوم برای پی‌بردن به ماهیت جرم شکنجه به تاریخچه، مفهوم، انواع و ارکان جرم شکنجه خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- کلیات

قبل از ورود به بحث مفهوم و ارکان جرم شکنجه، به بیان کلیات مرتبط با موضوع و سپس پیشینه جرم شکنجه می‌پردازیم.

#### ۱-۱-۱- بیان مساله

شکنجه یکی از رفتارهای موهن و غیرانسانی تلقی می‌شود که از دیرباز برخی انسان‌ها نسبت به هم‌نوعان خود اعمال می‌کردند. این رفتار توسط حکومت‌ها به منظور ابزاری برای اعمال قدرت، تحصیل دلیل و در برخی موارد با توجیه پاک‌کردن روح، بر مظنونین و متهمین به ارتکاب جرم اعمال می‌شد. دلایلی که می‌توان گفت شکنجه در آن صورت ارتکاب می‌یابد، عبارت‌اند از: ضعف، ناتوانی، مشکلات روانی مأموران و تاکید آن‌ها بر سرعت عمل و... شکنجه با گذر زمان، تعاریف جدید و مصادیق گسترده‌ای را دارا شده، همچنین واکنش دولت‌ها و تعریف آن‌ها از شکنجه بنا به تفاوت‌های فرهنگی و عرفی در جوامع بشری گوناگون است.

شکنجه در لغت به صورت شکنج و اشکنجه نیز آمده و برای آن معانی‌ای همچون به چوب بستن، گره، ریسمان و تعزیر برشمرده شده است و در اصطلاح حقوقی به معنی «اعمال آزار به متهم و غیر متهم است تا اقرار به جرم یا تعهدی بنماید.» و درجایی دیگر به معنی ایراد درد و رنج جسمی یا روحی بر شخص به منظور کسب اقرار یا اطلاع، تعریف شده است. لازم به ذکر است برخی فرهنگ‌ها بر مستمر بودن آزار و ایذاء شخص برای اعمال شکنجه تاکید داشته‌اند.

در حقوق بین‌الملل نیز ممنوعیت شکنجه علاوه بر مبنای عرفی، به‌عنوان یک قاعده‌ی آمره درآمده است. در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، شکنجه این‌گونه تعریف شده: اعمال هرگونه درد و رنج عمدی شدید جسمی یا روحی علیه شخص تحت نظر یا توقیف.



همچنین کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ در بند ۱ ماده ۱ شکنجه را هر عملی می‌داند که در نتیجه‌ی آن آسیب شدید جسمی و روحی بر متهم یا شخص ثالثی باهدف کسب اقرار یا اطلاع بر متهم اعمال شود، مقید به اینکه شکنجه از طرف ماموران رسمی یا به جهت ترغیب، سکوت و موافقت آنان با چنین عملی باشد.

با گذر زمان و پیشرفت جوامع تقریباً تمامی کشورها قائل به ممنوعیت مطلق شکنجه شده‌اند. مبنایی‌ترین توجیه برای اطلاق این ممنوعیت، توجه به حیثیت و کرامت انسانی و حق برخورداری انسان‌ها از آزادی است. با توجه به مقررات حقوق بشر باید منزلت ذاتی افراد به رسمیت شناخته شود و به همین جهت هر نوع تحقیر افراد از جمله: تجارت، بردگی، شکنجه و مجازات ظالمانه تحقیرآمیز ممنوع است؛ هرچند در عمل نقض این قانون در بسیاری از موارد به چشم می‌خورد.

با توجه به تعاریف ارائه شده از شکنجه می‌توان آن را به دو نوع جسمی و روحی تقسیم نمود. شکنجه جسمی از شایع‌ترین نوع شکنجه محسوب می‌شود و به معنی ایراد صدمات شدید به جسم فرد شناخته می‌شود. این نوع شکنجه شامل مصادیقی همچون: کتک زدن، شوک برقی، نگهداری در زندان‌های طولانی بدون آب و غذا و خواب مناسب و... می‌شود. شکنجه روحی نیز به معنی تحمیل صدمات شدید روحی و روانی به شخص مانند استفاده از الفاظ رکیک، سوالات انحرافی و تلقینی، ارباب، تهدید و... است.

شریعت مقدس اسلام نیز هرگونه ایذاء، آزار و توهین افراد را نهی و ضمن آن مومنان را به رعایت حدود حریم الهی ملزم می‌کند. این امر بیانگر اهتمام ویژه اسلام به ارزش و کرامت وجودی انسان است، چنانچه آیه ۵۷ سوره احزاب می‌فرماید: مسلمان حرم خداست و رعایت حرمت یک مومن بیشتر از حرمت خانه‌ی خدا است. باوجوداینکه در شرع بر ممنوعیت اعمال شکنجه تأکید شده اما بااین حال تعریف دقیقی توسط فقهای اسلامی از مفهوم شکنجه ارائه نشده است.

در میان قوانین جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۸ قانون اساسی به منع شکنجه اختصاص داده شده است. بدین شرح که «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.» همچنین ماده ۵۷۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ در خصوص مجازات مرتکب این جرم، بیان می‌دارد: هر مامور قضایی یا غیرقضایی دولتی متهمی را برای اخذ اقرار آزار و اذیت نماید، به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شود.

ایرادی که می‌توان به قوانین و مقررات کشورمان در این خصوص وارد دانست، آن است که تعریف صریح و دقیقی از مفهوم شکنجه و آزار و اذیت و به تبع آن منع شکنجه ارائه نشده، همچنین ضابطه شکنجه محسوب شدن فعل یا در برخی موارد، ترک فعل از لحاظ شخصی یا نوعی بودن و میزان شدت عملی که می‌توان در آن صورت گفت شکنجه تحقق یافته، تعریف نشده است. پسندیده‌تر بود در این قوانین مشخص می‌شد که شکنجه در چه مرحله‌ای از مراحل تعقیب یا رسیدگی اعمال می‌شود و اینکه آیا ایراد شکنجه تنها نسبت به اخذ اقرار یا اطلاع ممنوع است یا آنکه در مرحله تعقیب جرم و سایر مراحل دادرسی و همچنین مجازات مجرمین هم قاعده منع شکنجه مجری است؟

نکته قابل ملاحظه در خصوص بحث شکنجه وجود مجازات‌های بدنی مقرر در قانون مجازات اسلامی از جمله سنگسار، قطع عضو و شلاق می‌باشد، هرچند ذیل ماده یک کنوانسیون منع شکنجه، درد و رنج ناشی از مجازات قانونی را از قلمرو شکنجه خارج کرده است؛ اما طبق ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه این مجازات‌های بدنی را غیرانسانی و مصداق شکنجه محسوب و آن‌ها را ممنوع کرده است. این چالش ممکن است ایجاد شود که مقررات جزایی ایران با موازین حقوق بشر سازگار نیست، بنابراین در این پژوهش ضمن بررسی مفهوم شکنجه به بررسی این ابهام نیز پرداخته می‌شود و به این سوال نیز پاسخ داده خواهد شد که آیا اطلاق اصل ۳۸ قانون اساسی، مسائل امنیتی و وضعیت فوق‌العاده را هم در برمی‌گیرد یا آنکه تحت شرایط خاص می‌توان اطلاق قاعده منع شکنجه را نادیده گرفت؟

بسیاری از حقوق‌دانان و فقها نیز قائل به ممنوعیت مطلق شکنجه شده‌اند. اطلاق این قاعده می‌تواند آثاری را در برداشته باشد، به این صورت که در وضعیت‌های اضطراری یا بحرانی و همچنین در موارد مهمی مانند حفظ امنیت، نجات جان تعداد کثیری از افراد، حفظ منافع اساسی نظام، مبارزه با تروریسم و... اعمال این قاعده نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد؛ اما باین وجود نظرات مخالفی نیز دیده می‌شود مبنی بر اینکه اعمال شکنجه برای کشف جرایم مهم و در برخی موارد خاص مانند آدم‌ربایی، بمب‌گذاری، حفظ مصالح عمومی کشور و... جایز است و ممکن است قاضی باتوجه به مدارک و قرائن و نجات جان تعداد زیادی از انسان‌ها مجوز چنین کاری را بدهد؛ بنابراین، در راستای روا بودن تنبیه و ایذا متهم در برخی موارد خاص، به قاعده تزاخم و دفع افسد به فاسد استناد شده است.

در این پژوهش تلاش بر این است با تتبع در منابع فقهی و کتب حقوقی، مفهوم شکنجه و مصادیق آن بررسی و اطلاق یا عدم اطلاق آن در نظام جمهوری اسلامی ایران واکاوی شود.

## ۱-۱-۲- سوالها و فرضیه‌های تحقیق

سوالهای تحقیق

- ۱- از نگاه موازین حقوقی و شرعی اطلاق قاعده منع شکنجه چگونه قابل توجیه است؟
- ۲- اطلاق قاعده منع شکنجه با چه قواعد دیگری در نظام حقوقی اسلام و حقوق ایران در تعارض است؟
- ۳- با عنایت به مراحل مختلف کشف جرم، تحقیق، دادرسی و مجازات، چه مفهوم جامع و مانعی از قاعده منع شکنجه می‌توان ارائه نمود؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- باتوجه به آیه هفتاد سوره مبارکه اسراء، مهم‌ترین مبنا برای توجیه اطلاق منع شکنجه، حفظ حرمت و کرامت ذاتی تمامی انسان‌ها حتی کفار و مشرکین است. دلایل دیگری نیز برای اطلاق این ممنوعیت می‌توان برشمرد مانند: اصل برائت و احترام به آزادی دیگران که از اصول مهم حقوق بشر است، همچنین اصل شخصی بودن جرم و مجازات و اصل برائت که باتوجه به این اصل ایراد هر نوع مجازات و تنبیه بر فرد را ممنوع دانسته مگر زمانی که ارتکاب بزه از جانب وی به اثبات برسد.

۲- به نظر می‌رسد ممنوعیت مطلق شکنجه با قواعدی همچون: قاعده وجوب دفع افسد به فاسد، قاعده تراحم و قاعده اختلال نظام در تعارض است. با توجه با قواعد نامبرده، از دید برخی فقها در بعضی موارد، ارتکاب افعالی که از آن نهی شده است، به علت وجود مصلحت مهم‌تری مانند: حفظ نظام و نظم عمومی کشور، رفع فتنه و نجات جان افراد می‌تواند توجیه‌پذیر باشد.

۳- اگرچه در یک تعریف ساده می‌توان گفت شکنجه عبارت است از تحمیل غیرقانونی و عمدی درد و رنج شدید جسمی یا روحی بر دیگری که توسط ماموران برای کسب اقرار و اطلاعات گرفته می‌شود؛ اما مولفه‌هایی نظیر مجازات‌های دردناک، آسیب‌های دردناکی که در مرحله کشف جرم ممکن است به متهم وارد شود، مقرراتی که احیاناً تحمیل آزار یا دردهای شدید جسمی یا روحی را تایید می‌کند جزء نقاط ابهامی هستند که در مفهوم‌شناسی قاعده منع شکنجه باید به آن‌ها توجه شود.

به نظر می‌رسد در مرحله کشف جرم و تحقیق امکان ارتکاب شکنجه از طرف ضابطین می‌تواند وجود داشته باشد، اما در مرحله تعقیب باتوجه به اینکه از طرف دادستان دستور تعقیب صادر می‌شود و همچنین در مرحله رسیدگی و صدور رای باتوجه به قرارگرفتن متهم در فضای دستگاه قضایی امکان ارتکاب این عمل کمتر خواهد بود. در مرحله اجرای مجازات نیز صرفاً مجازات قانونی تعیین شده که ماهیت آن متفاوت از شکنجه می‌باشد، اعمال می‌شود.

### ۱-۳- روش و اهداف تحقیق

#### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت به صورت کیفی می‌باشد و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات تحقیق از طریق کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب تالیف شده در رابطه با این موضوع، مراجعه به پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط، قوانین داخلی و خارجی پیرامون موضوع و جستجو در پایگاه‌های مجازی انجام می‌گیرد و بر اساس یافته‌ها به تدوین فصول پایان‌نامه پرداخته خواهد شد.

#### اهداف تحقیق

تبیین علمی و دقیق مفهوم قاعده منع شکنجه و بررسی حدود و ثغور آن در نظام حقوقی ایران، همچنین بازپژوهی آن از جهت صحت اطلاق یا عدم اطلاق باتوجه به موازین شرعی و هنجارهای حقوقی از جمله اصل ۳۸ قانون اساسی ایران.

### ۱-۴- اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این تحقیق به علت خلا پژوهشی موجود در خصوص مفهوم شکنجه و تبیین آن در مراحل کشف جرم، دادرسی و اجرای مجازات است، چرا که جرم شکنجه به عنوان رفتاری ناقض حقوق بشر و کرامت ذاتی افراد، در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور مطلق ممنوع شده اما در هیچ یک از قوانین داخلی تعریفی در خصوص مفهوم شکنجه و تبیین مصادیق آن ارائه نشده است، ضمن آن که نظراتی در مورد جواز شکنجه در شرایط بحرانی دیده می‌شود.